



STOP

DOMESTIC VIOLENCE

۳ سوال عمده در مورد خشونت علیه زنان و پاسخ از سوی اصحاب قلم آذربایجان

۱) خشونت جسمی؛ که به هرگونه رفتار غیراجتماعی که از لمس کردن بدن زن شروع شده و گاهی تا مرحله تجاوز جنسی، جسم زن را مورد آزار قرار می‌دهد.

۲) خشونت جنسی؛ هرگونه رفتار غیراجتماعی، چه در حوزه خصوصی یا عمومی، که از لمس کردن تا تجاوز را در برمی‌گیرد.

۴) خشونت روانی؛ هر رفتار خشونت‌آمیزی مانند تمسخر، بددهنی، توهین و... که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه‌دار می‌کند.

۵) خشونت مالی؛ عدم حمایت مالی زنان در شرایطی که زن منبع مالی مناسبی برای رفع احتیاجات خود ندارد.

۶) خشونت سیاسی؛ مانند غفلت از حقوق انسانی زنان در قانون‌گذاری و عدم پشتیبانی از برابری حقوق زن و مرد در سیاست‌گذاری.

خشونت‌های نامبرده را در دو ساحت خصوصی و عمومی می‌توان مشاهده کرد:

۱) حوزه خصوصی؛ تمام اشکال خشونت‌هایی که در محیط خانواده نسبت به زنان اعمال می‌شود و به آن «خشونت خانوادگی» نیز می‌گویند. خشونت خانوادگی بیشتر زمانی بروز می‌کند که زن می‌کوشد تا در مقابل تجاوز مرد، از لحاظ جسمی از خود دفاع کند.

۲) حوزه عمومی؛ شامل عرصه‌هایی مانند: آداب و رسوم، فرهنگ شفاهی و کتبی، سنت‌ها و تفاسیر سنتی دینی می‌شود. با توجه به این تعاریف کلی مصاحبه‌ای با اصحاب قلم آذربایجان که یکی از عمده‌دغدغه‌هایشان مسائل و مشکلات زنان بوده داشته‌ام، در این مصاحبه از آن‌ها خواسته‌ام تا از تجربه‌های شخصی و نوع نگرش‌شان به انواع خشونت و راه‌های مقابله با آن سخن بگویند.

بحث خشونت علیه زنان هم‌زمان با شروع موج اول جنبش زنان (۱۹۲۰-۱۸۴۸ میلادی) در ایالات متحده آمریکا مطرح گردید معه‌ذا تاکید خاص بر آن از دهه ۱۹۷۰ میلادی (پایان موج دوم ۱۹۷۰-۱۹۲۰) آغاز شد و در نهایت در سال ۱۹۸۱ با قتل خواهران میرابال، فعالین سیاسی اهل جمهوری دومینیکن، ۲۵ نوامبر به عنوان سالروز منع خشونت علیه زنان نامگذاری شد.

سازمان ملل متحد خشونت علیه زنان را «هرگونه عمل خشونت‌آمیز بر پایه جنسیت که بتواند منجر به آسیب فیزیکی (بدنی)، جنسی یا روانی زنان بشود» تعریف کرده است. اعلامیه رفع خشونت علیه زنان در سال ۱۹۹۳ بیان می‌کند که این خشونت ممکن است توسط افرادی از همان جنس، اعضای خانواده و یا حکومت اعمال شود. سازمان بهداشت جهانی نیز در اولین مطالعه جهانی خود درباره خشونت علیه زنان نتیجه گرفته است که در هر ۱۸ ثانیه یک زن مورد حمله یا بدرفتاری قرار می‌گیرد. خشونت علیه زنان به دلایل مختلفی صورت می‌گیرد که از عمده عوامل آن میتوان به زمینه‌های زیستی مانند اختلالات روانی-شخصیتی و مصرف الکل؛ عوامل اجتماعی-اقتصادی مانند بیکاری و وضعیت اقتصادی خانواده؛ عوامل فرهنگی مانند حاکمیت ارزش‌های مردسالارانه و پایین بودن سطح تحصیلات و آگاهی؛ عوامل سیاسی شامل ساختار قدرت خانواده و نابرابری قدرت میان زنان و مردان و عوامل حقوقی و قانونی مانند وجود قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان در جامعه، اشاره کرد.

از عمده خشونت‌های جاری در جامعه علیه زنان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آرخادا بورا خدیغیمیز یوز ایلی دوشونورم؛

«دال» دا قادین دیر، «مدلول» دا

دانیشماسا دا دیل دیر،

نیشانه‌لره دولو، ایتظاملی بیر قورولوش.

دوغونون دیل جمعیتی

باش حرم‌ده، باش توتوب قادینی؛

پرده آر خاسی،

سود آناسی،

قاری ننه‌سی،

کوپ قادینی...

باتی‌نین دیل جمعیتی

اینجه صنعت‌ده،

دوشونجه‌ده دانیشیب قادینی

«بوواری» مادام،

«دالووی» مادام،

«توسو» مادام...

و قارا قازه‌نین دیلی،

قوش کیمی قاناد سالدیریب،

قاپیر کیمی دیرناق توکدوروب قادینی

قانی قاشیق‌جادییر،

اتی آشیق‌جادییر قادینین

«بوکو حرام» دانیشیر قادینی...

«دال» دا قادین دیر، «مدلول دا»

دانیشماسا دا

هر جمعیتین کولتورل دیلی دیر قادین!

رقیه کبیری



۱- آیا شما شاهد تجربه ای از خشونت در محیط خانواده، محل کار یا اجتماع برای خود یا دیگری بوده اید؟ لطفا تجربه عینی خود را در این زمینه بنویسید.

۲- از چهار خشونت غالب روانی، جنسی، اقتصادی و فیزیکی کدام یک در جامعه مربوطه بیشتر مشاهده میشود و دلیل ترویج این نوع خشونت به نظر شما چیست؟

۳- به نظر شما بهترین راهکار برای محدود کردن و درنهایت از میان برچیدن اینگونه خشونت های رایج چیست؟



آنچه بعنوان مثال میتوانم بگویم: در محله ما یک مرکز سونوگرافی بود. جلوی در آنجا، مردی زنش را از پشت سر هل داده بود و او نقش زمین شده بود. حدس بزنید چرا یک مرد ممکن است بعد از بیرون آمدن از مرکز سونوگرافی چنین کند؟! احتمالا بعد از خواندن نتیجه ای چیزی بوده. شاید درست حدس زده باشید! او فهمیده بود بچه اش پسر نیست! این موضوع چنان تاثیرگذار بود که حتی دستمایه ی یکی از داستانهای کوتاه من شد.



لازم می دانم در ابتدا مقدمه ای در این زمینه بیان کنم و سپس به سوال شما پاسخ دهم. ما تا کنون در هیچ جامعه ای شاهد آزادی واقعی نبودیم مگر اینکه این آزادی ابتدا در حوزه زنان به وقوع پیوندد. تاریخ نشان داده است که اگر دولت مردان قصد محدود کردن و اعمال فشار بر جامعه ای را داشته باشند این اعمال فشار را از حوزه زنان و با محدود کردن آزادی های آن ها شروع می کنند، عکس این مورد نیز صادق است، یعنی در کشوری که تمایل به ایجاد آزادی های بیشتر وجود دارد اولین حوزه ای که دست به کار خواهند شد باز هم حوزه زنان است و این کار را با افزایش آزادی به زنان انجام می دهند، اما در نظر داشته باشد که بهترین محیط برای رشد و نمو زنان، جامعه ای دموکراتیک است که بر پایه اومانیسزم و حقوق انسانی ریخته شده باشد.

اما در مورد اینکه تجربه ای از خشونت دارم قبل از همه باید بگویم با توجه به این که من سالهاست خارج از ایران و آذربایجان زندگی می کنم، تجربیات و نظراتم بیشتر بر اساس کشورهایی است که در آن ها زندگی کرده ام (کانادا و نروژ) با این وجود باید بگویم، بله، خشونت نه تنها در کشورهای به اصطلاح جهان سوم، که در کشورهای غربی نیز به وفور مشاهده می شود، اگرچه باید اعتراف کنم که نمونه های فراوانی که تاکنون

دیده ام بیشترشان متعلق به خانواده هایی بوده اند که مهاجر تلقی میشوند. یک بار که با خانواده ام در خیابان شاهد کتک خوردن یک زن توسط همسرش بودیم، برادم برای نجات دادن زن اقدام کرد که زن با بیان اینکه: هم دوستم داره هم کتکم میزنه، به کسی ربطی نداره! از مداخله ما جلوگیری کرد.

متأسفانه علت اصلی ترویج خشونت علیه زنان سکوت خود زنان و تفکر غلط آن ها در مورد خشونت اعمال شده است. بسیاری از زنانی که مورد خشونت قرار میگیرند معتقدند خشونت اعمال شده عکس العملی موقتی در برابر عصبانیت بوده و یا تحمل خشونت را بر طلاق و عواقب آن ترجیح می دهند، متأسفانه مشکل عمده در ترویج خشونت غیر فعال بودن و پذیرش این امر از سوی خود زنان است.

۱- آیا شما شاهد تجربه ای از خشونت در محیط خانواده، محل کار یا اجتماع برای خود یا دیگری بوده اید؟ لطفا تجربه عینی خود را در این زمینه بنویسید.



نفسه محمد پور

مترجم و فعال حقوق کودکان و زنان

- در این روزها تقریبا هیچ نقطه ای از دنیا
- عاری از خشونت نیست و متأسفانه این
- حجم حمله به صلح و آرامش در دنیای
- متمدن امروز بسیار نگران کننده است. به
- نظر من اگرچه همه ی خشونت‌ها لزوما علیه
- زنان نیست اما می شود گفت اینکه زن
- باشی و تجربه خشونت نداشته باشی تقریبا
- غیر ممکن است.
- ۱- من تجربه ی خشونت در محیط خانوادگی
- را به اشکال مختلف داشته ام. نظیر کنترل
- شدن دائم توسط شریک زندگی سابقم. این
- کنترل ها شامل فعالیت های متفرقه ای که
- داشتم بود و حتما هر کاری باید با هماهنگی
- و اطلاع ایشان انجام می‌شد در صورتی
- که ایشان هم فعالیت های مختلفی داشتند
- اما خود را ملزم به هماهنگ کردن برنامه
- هایشان با من نمیدانستند حتی گاهی به
- من اطلاع هم نمی دادند. گاهی اتفاق می
- افتاد که برای کاری به شهرستان می‌رفتند
- و این کار یک ماه و اندی طول می‌کشید
- بدون اینکه با من هماهنگ کرده باشد و
- حتی اطلاع دهد که کارش چقدر به طول
- خواهد کشید. اما اگر خانواده ی من ما را
- به شام دعوت می کردند من بدون جواب
- گرفتن از او به مادرم جواب مثبت میدادم.
- کوچکترین قرار ملاقات و دیدار با دوستانم
- حتما باید با اطلاع همسرم می بود.
- نمود دیگر خشوتی که تجربه کرده ام،
- توهین و تحقیر به اشکال مختلف خصوصا
- به واسطه ی زن بودنم بود. پنهان نگاه
- داشتن درآمد خانواده توسط شریک زندگی
- ام نمونه دیگر از این نوع خشونت ها بود.

همسرم با اینکه شغلی رسمی داشت من هرگز نمی دانستم که او چقدر حقوق می گیرد یادم هست روزی که معلمان برای دستمزد پایین خود در جلوی مجلس تحصن کرده بودند من از آنها سوال کردم که چقدر حقوق می گیرند وقتی گفتند ما یک میلیون و پانصد هزار تومان حقوق می گیریم من بسیار متعجب شدم زیرا تا آن زمان فکر میکردم همسرم هفتصد هزار تومان حقوق می گیرد این در حالی بود که او معلم هنرستان بود و مطمئنا حقوق اش از معلمان دبستان بیشتر بود.

خشوتی که بیشترین ضربه ی روحی را آن زمان به من وارد می کرد، تهدید و ارباب بود. همسرم دائما تهدید می کرد که مرا ترک خواهد کرد. بعد از هر دعوا و کشمکشی می گفت که در انتخاب من اشتباه کرده و مرا طلاق خواهد داد. مدتی مرا ترک می کرد و بعد از چند ماه بازمیگشت و میگفت که اشتباه کرده است و باید زندگی را دوباره از نو بسازیم اما باز با یک دعوای کوچک می گفت اشتباه کرده که بازگشته است. در واقع من هر بار که می خواستم خودم را با شرایط جدیدی که او تحمیل کرده بود سازگار کنم باز میگشت و من دوباره در چرخه ی خشونت گرفتار می شدم.



خانم سوسن نواده رضی

شاعر و نویسنده



نگار خیاوی

شاعر و نویسنده

البته که به وفور شاهد خشونت علیه زنان اطراف خودم و خودم بوده‌ام. خشونت فیزیکی، خشونت و بی حرمتیهای جنسی، محروم شدن از ادامه تحصیل و ادامه‌ی فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی با توسل به لمینیزم و زور بازو، تحمیل خرج خود و فرزندان و سپس تحمیل کل مخارج خانواده بر گرده‌ی زن شاغل (خودم)، انواع شانتاژها، بی اعتنائیها، بی مهریها، تهمت زدن، همسر آزاری و عدم رعایت عرف و قانون و اخلاقیات و... اینها و بسیار علاوه‌تر از اینها را به عینه تجربه کرده‌ام.

۱. کلان خشونت‌ها ۲: خرده خشونت‌ها کلان خشونت‌ها میتواند در هر جامعه‌ای متفاوت از دیگر جوامع، برآمده از قوانین و نظام اجتماعی-سیاسی همان جامعه باشد. شامل خشونت‌های اجتماعی، ملیتی، هویتی، پوشش اجباری قانونی و دولتی و ... باشد. اجتماعی: مسلما یک زن ترک زبان نمیتواند در محیط کار و تحصیل و زندگی به شیوایی یک زن فارس زبان فارسی صحبت کند، او برای بدست آوردن این مهارت نالازم همیشه باید تلاش کند، و در فرصتها و جاهایی که لازم است لهجه دار بودن و در واقع ترک بودن خود و بدنبال آن هویت ملی خود را پنهان کند. و البته معلوم است که این به تنهایی فرصتهای شغلی و اجتماعی را با تهدید روبرو میکند. و این را اضافه کنید به اینکه یک زن ترک زبان همیشه در ضمیر خود آگاه و ناخود آگاه خویش با این آگاهی آزار دهنده زندگی میکند که در کشور خودش زبان مادریش همیشه بنحوی محل تشویش و تحقیر و نگرانی بوده.

ملیتی: در کشوری که من زندگی میکنم به یقین هیچ زن فارس زبانی از بابت اینکه کودک دلبندهش را به نامی که دلش میخواهد بنامد دچار فشار و تضییق نباشد. و یا از اینکه خودش و کودکش در محیط‌های

فارس زبان به دلیل لهجه-دار صحبت کردن زبان فارسی در معرض تحقیر و توهین قرار گیرند را هیچوقت تجربه نکرده باشند. یک مادر ترک زبان مثل هر مادری حق دارد بدون نگرانی از تحقیر شدگی فرزندش را به زبان مادری خودش بزرگ کند، و فرزندش در شش سالگی هنگام قدم گذاشتن در محیط علم و آموزش مجبور به تحصیل علم به زبانی غیر از زبان مادریش باشد و بدین ترتیب با این احساس خود کم بینی و یقین نابجا آموزش ببیند که زبان مادری او زبان علم و تعلیم نیست.

هویتی: این مورد را میشود با سوالاتی روشن کرد: چرا بیشتر دختران جوان و زیبای ما و البته پسران کمتر، فارسی صحبت کردن را نوعی ارزش تلقی میکنند؟ این جوانان به دلیل کم آگاهی ملیتی که بدلیل ضعف سیستم‌های آموزشی و ضعف فرایندهای اجتماعی شدن و وجود نابسامانی‌های اجتماعی در درون با خود کم بینی دست به گریبانند. این همه، اگر خشونت اجتماعی نیست پس چیست؟

چرا مادران جوان ترک زبان با فرزندان خود فارسی صحبت میکنند؟ چون فرزندانشان در مدرسه دچار عقب ماندگی درسی نشوند، همه آموزگاران را می شناسیم که حکایت‌های بسیاری از التماس دانش آموزانشان موقع پاسخگویی سووالات درسی مبنی بر اینکه: خانیم معلیم نه اولار اجازه وقرین تور کجه جاواب وئریم! (خانم معلم تو را خدا اجازه بدین جوابشو تور کی بگم!)

پوشش اجباری: من پوشش اجباری قانونی و دولتی را هم در ردیف کلان خشونت‌ها می‌گنجانم. اجباری که از نظام سیاسی-ایدئولوژیکی- حکومتی جامعه منشا گرفته باشد، کلان خشونت محسوب میشود. اما پوشش اجباری‌ای که از طریق عرف و عادت و سنت‌های اجتماعی بر شخص تحمیل میشود را در خرده خشونت‌ها می‌گنجانیم. شکل‌های مختلف این نوع اجبار در هر جامعه‌ای وجود دارد. شخص مختار است این نوع اجبار را قبول کند و یا درمقابل آنها مقاومت نشان دهد. در این حال او متخلف محسوب نمیشود، مورد پیگرد قانونی قرار نمیگیرد.

خرده خشونت‌ها: خرده خشونت‌ها شامل خشونت‌های شناخته شده و رایج در طول



تاریخ اجتماعی میباشد. همچون: ازدواج اجباری، ازدواج در سنین پایین، تحمل خیانت شوهران، چند همسری، تحمل آزار روانی، جسمی، جنسی ... برخی ازین خشونت‌ها در محیط خانواده، برخی دیگر خارج از محیط خانواده و در سطوح اجتماعی بر زنان اعمال میشود.

شاهد زنان حامله بسیاری بوده-ایم وقتی از پسر نبودن جنین داخل شکم خود مطلع شده و شروع به گریه و زاری کرده-اند: حالا من با چه رویی به خانه برگردم، شوهرم گفته اگر بچه دختر باشد حق نداری به خانه بیایی، جواب مادر شوهرم را چه بدهم.



خانم فرانگ فرید
شاعر، نویسنده، مترجم و فعال حقوق زنان

- بنظر من همه انواع خشونت شایع
- مورد آزار دهنده دیگر قشر تحصیلکرده است. برخی پنهان، برخی آشکار.
- و مدعی جامعه ماست که در محفل‌های
- دوستانه و روشنفکرانه مدعی طرفداری
- از حقوق برابر زنان هستند اما عملاً در
- زندگی واقعی خلاف ادعاهای خود عمل
- میکنند. خانواده‌هایی را میشناسیم شوهری
- با تحصیلات فوق عالی و مدعی طرفداری
- از حقوق برابر زنان، همسر با تحصیلات
- فوق عالی خود را براحتی مورد ضرب و
- شتم قرار میدهد و با راحتی خیال به
- همسرش تهمتهای غیر اخلاقی میزند. آن
- مرد بخوبی آگاه است که با چنین تهمتهای
- جامعه پسند براحتی میتواند همسرش را خلع
- سلاح و سرکوب کند، این همسر در چنین
- موقعتهایی چه میتواند بکند؟



خانم فاخته لونا زمانی
دبیر و بانی انجمن آداب
و فعال حقوق زندانیان عقیدتی

مساله ای که در این مورد باید بیان کنم این است که معمولاً زنانی که خشونت فیزیکی را تجربه کرده اند عمدتاً شاهد سه نوع دیگر از آن نیز بوده اند. در روابط خانوادگی زوج‌هایی کی قصد تنبیه همسران خود را دارند از روش‌های جدا کردن محل خواب و یا تجاوز به همسرانشان استفاده می‌کنند کی این مساله برای بسیاری از زنان قابل درک نیست. بیشتر زنان تجاوز را امری می‌دانند که از سوی شخصی غیر از همسر اعمال شود و هیچ آگاهی ای از اینکه ارتباط جنسی بدون تمایل زوجه می‌تواند نمودی از خشونت باشد ندارند. نمونه دیگر خشونت مجبور کردن افراد هموسکسوال (همجنس‌گرا) به ازدواج با جنس مخالف است. مردی کی هیچ تمایلی به ایجاد ارتباط با جنس مخالف را ندارد مجبور به ازدواج با یک زن می‌کنند و این مصداق بارز خشونت علیه زنان است. مردی که هیچ تمایلی به این ارتباط نشان نمی‌دهد و از سویی توان ابراز هموسکسوال بودن خود را نیز ندارد با ابراز اینکه زن را دوست ندارد و یا بهانه‌های دیگر ... اقدام به اعمال خشونت علیه زنان می‌کند. که متأسفانه تعداد این افراد در جامعه و زنانی که متحمل این نوع از خشونت می‌شوند زیاد است.



خانم سوسن نواذه رضی
شاعر و نویسنده

اینها را باید با داده‌های آماری بررسی کرد. اما از آنجایی که هرگز به آمار دقیق و قابل اتکایی دسترسی نداریم من با تکیه بر مشاهدات خود می‌توانم بگویم خشونت جنسی در جامعه و فضای شهری و خشونت روحی در خانواده مهمترین انواع خشونت هستند که بر زنان اعمال می‌شوند



نقیسه محمد پور
مترجم و فعال حقوق کودکان



نگار خیاوی
شاعر و نویسنده

بنظر میرسد خشونت روانی و فیزیکی شایعتر از انواع دیگر خشونت باشد. خشونت روانی به صورت بار سنگین نگاه‌های غرض-آلود و نیز توقعات جامعه برای رعایت برخی قیود و الگوها (که نام نجابت و سربره-زیری بر آنها مینهند) ظاهر میشود. خشونت روانی در ایران به شکل مزاحمتهای خیابانی نیز بسیار رایج است. تقریباً همیشه گفت‌امکان ندارد خانمی جوان و میانسال در هر بار خروج از منزل با این خشونت‌ها روبرو نشود و متأسفانه جامعه از او انتظار دارد که فقط در مقابل این خشونت‌ها سکوت کند و «تجابت» به خرج دهد تا مزاحم راه خود گیرد و سراغ طعمه دیگر برود. خشونت فیزیکی مشخصاً از مصادیق آشکار خشونت خانگی است که عمده زنان با این نوع خشونت دست به گریبان بوده و هستند.

۲- از چهار خشونت غالب روانی، جنسی، اقتصادی و فیزیکی کدام یک در جامعه مربوطه بیشتر مشاهده میشود و دلیل ترویج این نوع خشونت به نظر شما چیست؟



بهترین راهکار برای از میان برداشتن خشونت بدون شک آموزش آن از مقاطع تحصیلی پایین تر هست. خشونت علیه زنان در بسیاری از موارد اولین بار با خشونت فیزیکی شروع نمی شود، خشونت مساله ای زمان بر است که بعضا با ادای یک کلمه و جمله و یا هل دادن و یا فشار دادن بازوی زن با نیت خشونت به وقوع می پیوندد. آموزش انواع خشونت و رفتارهایی که سرآغازی برای اعمال خشونت هستند باید از همان مقاطع اولیه آموزش داده شوند تا جوانان آگاهانه و به موقع در برابر آن عکس العمل نشان دهند. راهکار دیگر مطلع ساختن پلیس و اقدام از کانال های قانونی آن است که متأسفانه به دلیل چیزی که نامش از سوی زنان «آبرو» گذاشته شده است اقدام به این کار نمی کنند، دلیل دیگر هم البته عدم اطمینان و امید به حل مشکل از سوی این ارگان است. با این وجود باز هم به نظر من عملی ترین راه اقدام از طریق کانال های قانونی و عدم سکوت در برابر انواع خشونت است.

۳- به نظر شما بهترین راهکار برای محدود کردن و درنهایت از میان برداشتن اینگونه خشونت های رایج چیست؟



کدام یک از خشونت رایج؟؟؟ اگر به طور کلی بخواهیم بدانیم چطور میشود از میزان خشونت علیه زنان کاست باید بگویم قانون و فرهنگ مثل دو بال هستند که باید به صورت همزمان و هماهنگ در جهت کاهش خشونت با هم کار کنند. در حال حاضر نه تنها قانونی که تعریف درستی از خشونت داشته باشد و آنرا جرم تلقی کند نداریم بلکه در برخی موارد قانون خشونت را تجویز میکند مثل تمکین که خشونت جنسی و کنترل روحی و بدنی زن را قانونی کرده است و برای کاهش خشونت های جنسی مانند آزار خیابانی هم اگرچه قانون می تواند کارساز باشد، عرف و فرهنگ عمومی مردم می تواند روند بهبود این وضعیت را تسریع کند.



طبعاً جواب این سوال را در برخی موارد بالا میتوان یافت. اما عمده ترین راه های مقابله با این مساله اجتماعی می توان به موارد زیر اشاره کرد:
-یافتن ریشه های تبعیض جنسیتی در یک جامعه و تغییر آنها، مثل تغییر برخی قوانین ضد زن یا تغییر آنچه در نظام آموزش و پرورش یا صدا و سیما و رسانه ها نقش های جنسیتی را شکل میدهد یا تشدید میکند و جایگزین کردن آموزش های جدید که جامعه را بسوی برابری هدایت کند.
- آموزش هر آنچه برای شناخت خشونت در جامعه و مقاومت در برابر آن لازم است، از جمله آموزش های روانشناختی برای کنترل خشونت؛

۳- به نظر شما بهترین راهکار برای محدود کردن و درنهایت از میان برداشتن اینگونه خشونت های رایج چیست؟

-آموزش حقوقی به زنان، ایجاد حساسیت در آنها برای تشخیص تبعیض، یا شناخت سوءاستفاده و تضييع حقوقشان؛؛ و مقاومت در برابر آنها و داشتن برخورد صحیح؛
-ایجاد مراکز یاری رسانی به زنان آسیب دیده یا در معرض آسیب و ایجاد خانه های امن؛
-توانمندسازی زنان به لحاظ روحی-روانی تا آنها اعتماد به نفس یا عزت به نفس خود را حفظ کنند یا بدست آورند؛
-توانمند سازی زنان به لحاظ اقتصادی و آموزش درک این مهم؛
بقول سیمون دوبوار تا وقتی زنان یک بام و دو هوا در سر دارند، وضع به همین منوال خواهد بود.
نتیجه اینکه وقتی زنها آسانترین راه را برای تامین شدن و ترقی میخواهند و این، همانا رسیدن به همه اینها از طریق مرد هست، طبعاً مرتب به مرد وابسته تر می شوند و اینجا ست که دیگر شانس عمل می کند؛ اینکه آیا مرد خوب باشد یا نه! وگرنه آنها در معرض انواع خشونت ها یا برخی آنها قرار میگیرند و همین، آنها را در مقابل خشونت های اجتماعی هم بی اعتماد به نفس و بی سپرمی کند و باز مرد است که باید پشتیبان و حافظ آنها باشد.



به نظر من همه‌ی این چهار مورد تواما و به وفور گریبان خانواده‌ها را گرفته است. فقط اکثر خانمهای با وقار و متین و صبور ما به خاطر آبرویشان کتمان میکنند. من به خاطر شغلی که دارم (آرایشگر زنانه در تبریز) و به پشتوانه‌ی تجربه‌ی بیست و پنج ساله و رابطه‌ی صمیمی با بانوان با اطمینان میتوانم بگویم که اکثریت غریب به اتفاق زنان ما تحت شکنجه‌های شدید روحی و جسمی، و آزارها و فشارهای جنسی، تحقیر و تحمیقهای اقتصادی قرار دارند.



در چنین شرایطی برای ساماندهی این نابسامانی اجتماعی، باید از با آموزش مسائل معطوف به حقوق شهروندی و کرامت و ارزش انسان و مشخصا زنان آغاز کرد. مردم باید یکدیگر را از زشتی این اعمال آگاه کنند و زنان باید این را به مردان جامعه خود بفهمانند که هرزه درایی خیابانی هیچ برایشان خوشایند نیست و با ترویج این نوع خشونتها، فقط امنیت مادران و خواهران و همسران خود را به خطر می اندازند. از سوی دیگر نقش دولتها بسیار مهم است و باید مقررات سفت و سخت تری برای انواع خشونت و از جمله مزاحمتهای خیابانی تصویب و با جدیت به اجرا درآورد. همچنین باید سازمانهای غیردولتی حامی حقوق زنان تقویت شوند تا بتوانند در صورت لزوم از زنان رانده شده از خانه حمایت کنند و سرپناهی برای چنین زنانی ترتیب دهند تا دستخوش تعرضات و خشونت‌های خیابانی نشوند. به کودکان پسر باید از دوران دبستان آموزش داده شود که زنان را به مثابه مادران اجتماع تکریم کنند و بیاموزند که با زنان جز به احترام و نزاکت رفتار نکنند. به نظر من آموزش کودکان مهمترین قسمت ماجراست.

۳- به نظر شما بهترین راهکار برای محدود کردن و درنهایت از میان برچیدن اینگونه خشونت های رایج چیست؟

ایمان دارم که با تدوین و پیش بردن برنامه ای مستمر می توان ریشه همه اشکال خشونت را در هر دو حوزه خصوصی و عمومی خشکاند، لذا سه گام اساسی برای رسیدن به این مهم عبارتند از:

- باور به توانمند بودن زنان

- برنامه ریزی های مستمر

- و صبر و تحمل مورد نیاز برای هر جنبش اجتماعی.

با تشکر از خانم ها فرانک فرید، فاخته لونا زمانی، نفیسه محمدپور، رقیه کبیری، سوسن نواده رضی و نگار خیاوی که مرا در تهیه این مجموعه یاری کردند.

یاشین زوزلو/۲۵ نوامبر ۲۰۱۵

